



## عناصر معماری معناگرا با استناد به ساختار فکری معماران ایرانی و پیتر

### زومتور

زهرا بلوچی<sup>۱\*</sup>، دکتر باقر کریمی<sup>۲</sup>

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، معماری، بوشهر، ایران ( [z.balouchi@gmail.com](mailto:z.balouchi@gmail.com) )

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، معماری، بوشهر، ایران ( [Karimi.samab@yahoo.com](mailto:Karimi.samab@yahoo.com) )

### چکیده

همه مردم جهان هستی دارای آرزوی مشترکی می باشند که آن بازگشت معنا و ارزش های والای زندگی درانسان است. یکی از مواردی که می توان مردم را به آرزوی مشترک رساند خلق معنا و مفهوم و بازگرداندن بعد شاعرانه و قوه خیال ، به زندگی افراد است، یعنی گشودن مجدد قلمرو های اندازه ناپذیر، که این خود مستلزم بازگشت به خود چیزهاست. در این مقاله سعی شده تا با شناخت مفاهیم و معیارهای معماری در عملکرد های مختلف به احیای ارزش های معماری علاوه بر احیای مجدد معنا به بازگرداندن قوه خیال و ایجاد معنا و مفهوم به زندگی افراد دست یافت و انسانها را به آرزوی مشترک شان رساند. توجه به این اصل معناگرایی، که تلاشی برای بیان معانی آگاهانه معانی مستتر در پس کالبد معماری است، می تواند به بازگشت کیفیت و ارزش های انسانی کمک شایانی کند. در این راستا باتوجه به مطالب عنوان شده علاوه بر نظرات معماران به نام ایرانی از نظرات پیتر زومتور در برخورداری از معماری معنا و مفهومی نیز استفاده گردیده تا علاوه بر معماران به نام ایرانی از نظرات ایشان بعنوان چهارمین معمار تاثیرگذار شناخته شده در دانشکده های معماری آلمان بهره برد و نقاط عطف و مشترکی بین اندیشه های ایشان و روح معماری ایرانی یافت تا علاوه بر استفاده از نظرات بزرگان، بتوان حلقه‌ی گم شده در روح معماری که واقعیت ها و ارزش ها را در معماری تعیین می کند یافت.

**واژه‌های کلیدی:** معنا، معماری معناگرا، معیارهای معماری ایرانی

## مقدمه

تمام معماری‌های برجسته جهان رازی دارند که فقط با چشم دل میتوان به آن راه یافت. در ایران این نگرش عاطفی هنگامی حاصل می‌شود که تعادل و پیوندهای محیطی و معنوی انسان با استحکام و تعادلی مطلوب بر پا شده باشد. در روند شکل‌گیری معماری عوامل گوناگونی مانند اقلیم، تفکر، عملکرد، مصالح و فنون، نیروی انسانی، اقتصاد ساختمان و ... بر کالبد نهایی تأثیر می‌گذارند. در کنار روند تأثیر گذاری عوامل مادی، فیزیکی، محیطی، اقلیمی، شکل و فضای بنا در بعد فرهنگی، تمثیلی و هنری باید از کلیه آرمانها و ارزشهای یک جامعه برخوردار باشد. اثر معماری برخوردار از روح و فرهنگ یک سرزمین، در تجلی کالبدی خود پیام آور بسیاری از عوامل محیطی پنهان جامعه بوده و در بیانی انتزاعی در ترکیبات هندسی و فضایی معماری انتقال دهنده معنویت، اصالت و حقیقت وجودی خود، همانند هنرهای دیگر می‌باشد که انسان در برابر و به هنگام دریافت آن به مقام والای فرهنگی خود ارتقا می‌یابد. [۱]

سابقه‌ی تاریخی هر کشور موجب شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه می‌شود. فرهنگ هر جامعه نیز بر معماری آن اثر گذاشته و موجب شکل‌گیری معماری آن کشور می‌شود. در سیر تاریخ معماری از گذشته‌های دور تا دوران معاصر، همواره گمشده‌ای در طراحی معماری مورد کنکاش معماران قرار گرفته است که همانا «معنا»ی مستتر در پس کالبد و ظاهر معماری است. عناصر سازنده معماری دارای قابلیت‌های بسیاری برای بیان معانی هستند. با استفاده از عناصری که از گذشته برای ما به یادگار مانده، می‌توان به معماری اصیل و با هویت ایرانی اسلامی دست یافت. در این راستا، نوع نگرش معماران به مقوله‌ی معماری نیز، تعیین کننده است. یکی از رویکردهای نوینی که در طراحی معماری مطرح گردیده، "نگرش معناگرا" است. به دیگر سخن، تلقی محقق معمار از مفهوم معنا عامل تعیین کننده نگرش معناگرایانه اوست. طراحی با تأکید بر معناگرایی پاسخگویی مناسبی برای درک روح معماری در این شهرهای خاکستری می‌باشد. روح معماری چیزی است که می‌تواند به ما در رسیدن به فضایی با ارزش، آرامش‌بخش و زنده متصل سازد درک رابطه صورت و معنا، به عنوان معیایی در هنر و معماری مطرح است. در سیر تاریخ معماری از گذشته‌های دور تا دوران معاصر، همواره گمشده‌ای در طراحی معماری مورد کنکاش معماران قرار گرفته است که همانا «معنا»ی مستتر در پس کالبد و ظاهر معماری است. (عظیمی، فاطمه. ۱۳۸۹)

## ۱- معیارهای معماری ایرانی از دیدگاه داراب دیبا

در شکل‌گیری معماری ایران، جهان بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است در این راستا به مواردی که داراب دیبا در مقاله الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران داشتند نظری اجمالی می‌کنیم.

جدول ۱ - معیارهای معماری از دیدگاه دیبا

مرکزیت	انعکاس	درونگرایی
راز و ابهام	تداوم و شفافیت	هندسه

### ۱-۱- درونگرایی

مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته است. در معماری درونگرا ارزش واقعی به جوهر و هسته باطنی آن داده شده است و پوسته ظاهری، صرفاً پوششی مجازی است که از حقیقتی محافظت می‌کند. درونگرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینه خاطر و آرامش اصیل در دورن، به نظمی موزون و متعالی رسیده است. به طور اعم و بر اساس تفکر شرقی و در سرزمینهای اسلامی، جوهر فضا در باطن است و حیات درونی، به وجود آورنده اساس فضا است. [۲]

شاید بتوان مفهوم درونگرایی را با این جمله زومتور درباره هسته سخت زیبایی در هم آمیخت. عبور از احساسات بواسطه کالبد و فرم و بستر سازی برای بوجود آمدن احساسات و دور نشدن از ذات چیزها. چراکه هسته سخت زیبایی همان ذات فشرده پنهان درون چیزهاست

که تلاشمان کشف، آشکارسازی و در نهایت استفاده از این هسته سخت زیبایی در پس ورای ظاهری و کالبدی بناست، تا بتوان به آرامشی اصیل، درون فضا رسید.

### ۲-۱- مرکزیت

ویژگی موازی با مسأله درونگرایی، مرکزیت در فضای معماری است. سیر تحول عناصر پراکنده "کثرتها" به وحدت مرکزی در اغلب فضاهای معماری دنیای اسلام به چشم می‌خورد. فضای درونی مرکزی تنظیم کننده تمام فعالیت‌ها بوده و اصل و مرکز فضا را در قسمتی قائل است که نقطه عطف و عروج استثنایی در آن رخ می‌دهد. (دیبی، ۱۳۷۸)

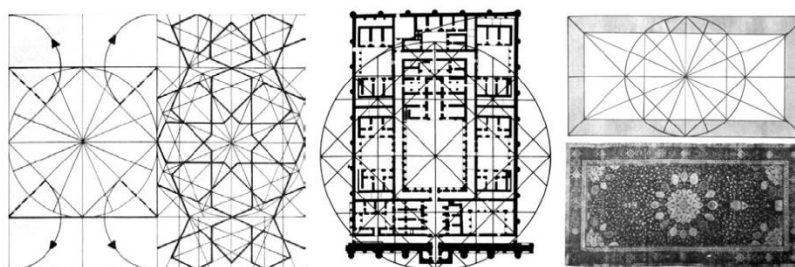
یکی از نمادهایی که در معماری ایرانی به کار می‌بردند، سیر از کثرت به وحدت بوده است. برای نمایش آن در باغ سازی دوره اسلامی، نهرهای روان را در یک حوض کوچکی به هم متصل می‌کردند.



شکل ۱- نمایی از پیوستن دو جوی در باغ فین کاشان، سیر کثرت به وحدت

### ۳-۱- هندسه

زبان بیان معماریهای جهان بر هندسه استوار است و از طریق روابط آن میتوان کلیت کالبدی را آشکار کرد. در هندسه این سرزمین بحث علم و رشد ریاضی اعداد و ترکیبات پیچیده جبر همراه با حس شهودی بوده است. این دو که تکمیل کننده آثار هنری محسوب میشوند جدایی ناپذیری هنر (حس) و علم (عقل) را در تمدنهای غنی و در جهان اسلام نشانه می‌دهند. هندسه به مثابه بیان « شخصیت » اعداد به انسان سنتی این اجازه را می‌دهد که فرایند های طبیعی را بیشتر بررسی کند. معماری سنتی به وسیله ی فرم های هندسی فضا را جذب می‌کند. با تکرار متقارن فرم‌ها با توالی ترتیبی یا گردشی معماری متحرکی خلق می‌شود. (اردلان، نادر. بختیار، لاله. ۹۰)



شکل ۲- نقش نمادین هندسه در هنر و معماری ایرانی اسلامی، منبع: نشریه دانشگاه تهران

### ۴-۱- راز و ابهام

احساس عظمت معنوی در کمال سادگی و خلوص در تشکیل و ترکیب آینه ایران مد نظر قرار داشته و سادگی ترکیبات این هندسه پایه، ولی غنی موجب پیدایش ساختمان‌هایی شده است. داستان پر رمز و راز معماری ایرانی است که با ساده ترین عناصر و مصالح، در زمینی منظم آثاری به وجود می‌آید که راز و ابهام آن در برابر کاربرد دنبال شده، انسان را به تفکری مجدد وا می‌دارد تا به حضور خود در زمین و نشانه های سایه و روشن از تمثیل ازلی آخرت و آسمان بیندیشد. پیترو زومتور با انتخاب دقیق عناصر و مصالح فضایی اندیشمندانه و پر رازی را خلق می‌کند که باعث برانگیختگی بعد روحانی و محیط ما می‌شوند. هدف زیبایی شناختی زومتور این است که ساختمان را همچون بدن انسان یا چیزی که دارای احساس است، دقیقاً با هدفش هماهنگ کند. زومتور بناهایی می‌سازند که علاوه بر اینکه هسته عاطفی دارد، حس خوبی را در پس ابهام را برای استفاده کنندگان بیافریند. [۳]

## ۲- ارکان بنیادین معماری از نقطه نظر نادر اردلان

هنرمند سنتی فرم هنری بیرونی را در سایه ی الهام می آفریند که از روح می گیرد. فرم هنری به این شکل قادر خواهد بود انسان را به حالات عالی تر وجود و در نهایت به وحدت برساند. [۴]

از دیدگاه نادر اردلان اهمیت هنرهای خلاقه به کار بردن آگاهانه مواردی است از قبیل:

جدول ۲- ارکان معماری : نادر اردلان



### ۲-۱- فضا

در تعریف فضای معماری، اردلان یک مسیر از کل به جز را طی می نماید و سپس دوباره به کل می رسد. انسان در بالای سر خود آسمان یا فضایی بی کرانه را می یابد که پر از ستارگان درخشان است. از آنجا که میهان را مانند خود آفریده یک آفریدگار می بیند بنابراین همان گونه که انسان دارای روح است کیهان نیز مانند اوست. عالم کبیر یا کیهان نیز مانند انسان دارای نظم در خلقتش می باشد. اینجا جهات هندسی نظام بخش کیهان شکل می گیرند که در آن جمله آفرینش واقع شده است پس از انتظام بخشی به فضای کیهانی انتظام بخشیدن منطقه ای صورت می گیرد. [۵]

مرحوم میر میران درباره فضا این چنین می گوید: فضا جوهری ترن بخش معماری است و کار معماری این است که حداکثر نیروهای ذاتی شکل ها را به فعل در آورد. [۶]

برداشت اردلان از فضا و کالبد، دارای تعبیراتی تازه و معمارانه است. او تاثیر مشترک کالبد و فضا را در مفهوم حس مکان خلاصه می کند. این حس ادراکی فراگیر از ظاهر تا باطن کالبد و فضاست که شاید در بخش های ظاهری تر، کالبد و در بخش های تجربی تر و باطنی تر، فضا، عامل اصلی آن خواهد بود. امر مهم، حسی قاطع و معین از مکان است که هم شامل جسم است، و هم شامل روح و وجود آن محسوس و ملموس نیست، بلکه فقط در شعور و فهم بیننده وجود دارد که حدود جسمانی شیء را با چشم ادراک می کند و با عقل، روح مکان را به عنوان محتوا و مضمون تشخیص می دهد. (اردلان، نادر. بختیار، لاله. ۹۰)

یکی از موضوعات تعریف کننده فضا، نگرشی است که فرد در بستر فرهنگی خود به ماده و جهان هستی دارد. کیفیت درک انسان از معنای فضا به میزان تطابق معنایی که از فضا درک می شود با تجربه فضایی انسان از آن فضا بستگی دارد. موضوع بنیادینی که تأثیر فرهنگ و جهان بینی بر تعریف فضا را نشان می دهد، باور به فضای مادی در مقابل باور همزمان به فضای غیر مادی است. لذا می توان گفت که "فضا" مولود آدمی است و منبعث از امر درونی وی است. [۷]

### ۲-۲- شکل یا فرم

اساسا فضا بدون فرم وجود ندارد. فرم است که فضا رامی سازد، نه فضا فرم را. آن است که تحت تأثیر قرار می دهد و آنچنان با قدرت است که فضا ایجاد می کند. [۸]

ادراک معانی که فضا و مکان به انسان القا می کند، منوط به شرایطی ویژه است در این مقوله، معانی نمادین اشکال فرمها و ارتباط و تناسب آنها با یکدیگر، عملکرد فضای مورد نظر، سابقه ذهنی و از همه مهمتر، معیارهای زندگی فردی و اجتماعی نقش اصلی را ایفا می نمایند. شکل از تعیین حدود فضای ساختار بندی شده به وجود می آید. اعداد واحدهای این تعریف فضایی هستند و هندسه «شخصیت» این اعداد را تشریح می کند. علم عدد بر طبیعت حکم فرماست. اعداد اصل موجودات و ریشه تمام علوم هستند: نخستین تجلی روح بر جان. هر عدد باطنی یازدانی دارد که از دیگری متمایزش می کند. هندسه به مثابه بیان «شخصیت» اعداد به انسان سنتی این اجازه را می دهد که فرایند های طبیعی را بیشتر بررسی کند. (اردلان، نادر. بختیار، لاله. ۹۰)

### ۲-۳- سطح

سطح اشکال در سلسله مراتب تعریف فضا به وسیله سطوح شان مشخص می‌شوند. سطح‌ها در درون خود مکانی دارند و نماد یک مفهوم استعاری خاص است. در ترتیب ابعاد سطح الگوها در ارتباط دادن سطحی به سطح دیگر دخالت دارند. هر چیزی به وسیله آنچه بالای آن است محدود می‌شود. در با دیوار، دیوار با سقف و سقف با آسمان. (اردلان، نادر. بختیار، لاله. ۹۰)

### ۲-۴- رنگ

یوهانس ایتن در کتاب خود به نام هنر رنگ که در سال ۱۹۶۱ میلادی در آلمان به چاپ رسیده، نوشته است: رنگ همه مواهب خود را به همه تقدیم می‌کند ولی رموز نهان تر خود را فقط برای شیفگان واقعی مکشوف می‌سازد. حسین نصر در کتاب ایران پل فیروزه در رابطه تاثیر رنگ چنین می‌نویسد: هر رنگ دارای تمثیلی خاص خودش و نیز هر رنگ، دارای رابطه‌ای با یکی از احوالات درونی انسان و روح است. [۹]

اردلان و بختیار درباره رنگ می‌گویند: رنگ از آنچه سرچشمه می‌گیرد که بی رنگ است. این بی رنگ یعنی نور محض، که قلمرو وجود محض و وحدت مطلق است که در آن افتراقی نیست. نور، به مجرد عینیت یافتن، به سرچشمه‌ی وجود بدل می‌گردد. سفید غایت یکپارچگی همه رنگهاست، پاک و بی‌آلایش. رنگ نور محض است.

### ۲-۵- ماده

در کتاب انسان، زیاده انسان نیچه، این عنوان تفکر بر انگیز را بر پیشانی دارد: سنگ سنگ تر از آبی است که پیشتر بود. یعنی سنگ بیش از هر زمان دیگری خود را به ما انسانهای مدرن به صورت سنگ عرضه می‌دارد. ماده خامی که منتظر است تا معنای خود را از انسان فاعل، سازنده یا هنرمند شکل دهنده دریافت کند. منشا معنا در ماده همیشه ذهن و عین را به هم پیوند می‌دهد. [۱۰]

مفهوم ماده تفاوتی ژرف با نظر جهان امروزی ندارد. نه اینکه ماده خود دگرگون شده باشد. بلکه توانایی آدمی به اینکه تا عمق دریابیدش فرو کاسته است. چهار ارکان آتش، هوا، آب و خاک نماد صفات عمده و معمولی که ماده‌ی جسمانی خود را به وسیله‌ی آن‌ها در دنیای خاکی بروز می‌دهد هستند. ارکان چهار وضعیت بنیادی ماده هستند، چهار حالت تجلی اهمیت کیفی.

جدول ۳ - ارکان چهار وضعیت بنیادی ماده

خاک	آب	هوا	آتش
خشک و سرد، متراکم، منفعل و سنگین، نقطه‌ی کانونی تلاقی نظام‌های در حال نزول و عروج	سرد و مرطوب، بطور نمادین زندگی بخش، پالایش زندگی.	تاثیر آن سبک تر کردن موجودات، تصفیه کردن و ملایم کردن، و توانایی برخاستن به ماده	قابلیتی در به رشد رساندن، تصفیه کردن، باز تعریف کردن و ممزوج کردن. گرما و نور مهمترین جنبه‌های آتش در معماری

### ۳- ارکان معماری با کیفیت و پر معنا در فضای معماری از دید پیتر زومتور

پیتر زومتور مکان‌ها و بناهایی که یک گوشه امن، یک پناهگاه، یک جای خوب برای زیستن و یک حمایت ناملموس با آنان را می‌دهند را تحسین می‌کند. برای ایشان کیفیت در معماری زمانی حاصل می‌شود که بنا بتواند ایشان را به حرکت در آورد. می‌توان این حرکت و تداوم که منجر به کیفیت در معماری می‌شود را در ارکان معماری از دید داراب دبیا دید. در معیار تداوم و شفافیت، فضایی که مسیر حرکت انسان و یا نگاه او در تداومی پیوسته صورت می‌گیرد. برای یافتن اشتراکات بیشتر به مواردی که درباره خلق معماری دارد، از آمیزش و حضور مصالح گرفته تا پرداختن به تناسبات و اثر نور را می‌توان بررسی کرد.

### جدول ۴ - ارکان معماری با کیفیت و پر معنا در فضای معماری از دید پیترو زومتور

آوای فضا	هماهنگی مصالح	کالبد معماری
میان آرامش و اغوا	اشیا پیرامون	دمای فضا
نور	سطوح صمیمیت	تنش میان بیرون و درون

#### ۳-۱- کالبد معماری:

منظور، حضور مادی چیزها در یک کار معماری قاب و چهارچوب آن است. ازدیدگاه او کالبد معماری اولین و بزرگ‌ترین راز معماری است که مصالح مختلف را جمع آوری و سپس ترکیب می‌کند. معماری نیز مانند یک جرم جسمانی، غشا، یک لباس، نوعی پوشش، مخمل یا حریر است. حقیقت معماری در تجسم کالبد آن نهفته است که شامل فرم‌ها، حجم‌ها و فضاها می‌باشد. هیچ ایده‌ای وجود ندارد جز در خود چیزها [۱۱].

از منظر صفایی پور شکل ابزار مناسبی است که می‌تواند در نقش یک نماد، به جلوه دادن مفاهیم مورد نظر طرح پرداخته و نمایش‌گر یک محتوای معنی‌شود. [۱۲]

#### ۳-۲- هماهنگی مصالح:

مواد بی انتها هستند. هماهنگی مصالح یک راز بزرگ، یک شوق وافر، لذتی برای همیشه است. می‌توان مصالح مختلفی را در یک بنا ترکیب کرد و گاهی به جایی رسید با آنکه مصالح بسیار باهم فاصله دارند در عین حال به یکدیگر نزدیکند. از دیدگاه زومتور هیچ ایده‌ای وجود ندارد مگر در خود چیزها. یعنی اگر ما برگردیم به خودش، یک نوع اعتماد به نفس دادن یا سرمایه‌گذاری در یک مسیر مطمئن (زومتور، ۱۳۹۴).

از منظر دیبا در معماری ایرانی با ساده‌ترین عناصر و مصالح، و با ترکیب آنها بایکدیگر در زمینی منظم آثاری به وجود می‌آید که راز و ابهام آن در برابر کاربرد دنبال شده، انسان را به تفکری مجدد و می‌دارد تا به حضور خود در زمین و نشانه‌های سایه و روشن از تمثیل ازلی آخرت و آسمان بیندیشد. با بررسی نگرشها می‌توان دریافت مصالح، ساده‌ترین عناصری هستند که با ترکیب آنها می‌توان مجموعه‌های بی نظیر و بی انتهای خلق کرد که همراه با راز و ابهام در بنا، انسان را به تفکری عمیق وادارد.

#### ۳-۳- تنش میان بیرون و درون:

از نقطه نظر زومتور معماری قطعه کوچکی از دنیا را برداشته و یک جعبه کوچک از آن را می‌سازد و ناگهان، فضای درون و بیرون شکل می‌گیرد. حال می‌توان در فضای بیرون بود یا در فضای درون. گریز و یک تبادل تقریباً نامحسوس بین درون و بیرون، یک حس مکان فوق العاده، یک حس تمرکز غیر قابل باور. (زومتور، ۱۳۹۴)

#### ۳-۴- نور:

نوری که بر اشیا می‌تابد بسیار پرتحرک و هیجان‌آور است و چیزی روحانی و ماورایی است. نور فراتر از هر انسان است، فراتر از درک انسان. (زومتور، ۱۳۹۴)

از منظر اردلان نور یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آتش در معماری است. نور در به رشد رساندن، تصفیه کردن، باز تعریف کردن و ممزوج کردن دارد، همه چیز را هماهنگ می‌کند. نور، به مجرد عینیت، به سرچشمه‌ی وجود بدل می‌گردد.

#### ۴- معنا، حلقه گمشده در طراحی معماری

هنر معنایی پیوندی دو سویه بین دو جهان برقرار می‌کند: این جهان و آنچه در آن است را به جهانی دیگر پیوند می‌دهد. هنرمند با اتصال خود به آن جهان به سرچشمه‌ای پایان نیافتنی دست می‌یابد و خود را از آن سرچشمه سیراب می‌کند. او نمودی از آن چرا که می‌بیند در آثارش متجلی می‌نماید. این پیوند دو سویه در مذاهب یا دینهای الهی وجود دارد. یکی از مباحث مطرح در هنر و معماری، نقش و اهمیت صورت و معنا در خلق هنری است. در این زمینه دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است، اهمیت نقش معنا در شکل‌گیری فضا و کالبد معماری منجر به رویکردی در طراحی معماری می‌شود که "معناگرایی" نامیده می‌شود. از منظر معناگرایان، معماری، مانند سایر هنرها، فنون و تولیدهای بشر، علاوه بر کالبد ظاهری خویش واجد جنبه‌ای اصیل و حقیقی و معنوی نیز هست که در پاسخ به نیازهای معنوی و مادی هماهنگ با جنبه‌ای روحانی حیات وی طراحی و ساخته شده است. معناگرایی به وسعت حیطه‌های تفکر و فرهنگ بشری گسترده است و محقق معناگرا، می‌تواند از حوزه‌های مختلف معنایی بهره‌گیری کند. با بررسی ارکان معماری به بررسی آنها براساس دیدگاه معماران در زمینه معناگرایی پرداخت و نتایج را در جدول زیر گرد آورده. [۱۳]

#### ۴-۱- تاثیر ارکان معماری بر معنا گرایی براساس دیدگاه معماران

عوامل موثر بر ایجاد معماری با کیفیت و پرمعنا با توجه به مطالب ارائه شده درباره ارکان معماری از دید معماران به نامی همچون نادر اردلان، داراب دیبا و پیتر زومتور و براساس موارد مشترک عناصر در دیدگاه آنها، می‌توان تاثیر ارکان معماری بر معنا گرایی براساس دیدگاه معماران اینگونه نوشت:

#### جدول ۵ - تاثیر ارکان معماری بر معنا گرایی

اشتراکات در دیدگاه	دیدگاه‌ها	ارکان معماری
شکل یک قاب و پوسته ظاهری است که فضا را ساختار بندی می‌کند.	* دیبا: کالبد پوسته ظاهری، صرفاً پوششی مجازی محافظ حقیقت * اردلان: بوجود آمدن از تعیین حدود فضای ساختار بندی شده * زومتور: حضور مادی چیزها در یک کار معماری قاب و چهارچوب	شکل یا کالبد
حداکثر نیروهای ذاتی شکل‌ها را به فعل در آورد و پیوندی با روح جهانی و حیات درونی دارد.	* دیبا: جوهر فضا در باطن است و حیات درونی بوجود آورنده اساس فضاست * اردلان: ازلی، نافذ، و در جهان شناسی اسلامی «مکان» روح جهانی * زومتور: پیوند انسانها با مکان‌ها از طریق مکانها با فضاها بر سکنی گزیدن استوار است	فضا
توجه به ارزش واقعی و ذات درون چیزها منجر به خلق معنا کی‌شود	* دیبا: ارزش واقعی به جوهر و هسته باطنی * اردلان: ----- * زومتور: هسته سخت زیبایی همان ذات فشرده درون چیزهاست که تلاشمان کشف و آشکارسازی است	درونگرایی
نور سرچشمه وجودی است که علاوه بر بعد روحانی، نیروبخش نیز می‌باشد	* دیبا: نور و اجزا طبیعت، تمثیلی از بهشت * اردلان: نور، به مجرد عینیت یافتن، به سرچشمه‌ی وجود بدل می‌گردد * زومتور: نور بسیار پرتحرک و هیجان آور، و چیزی روحانی و ماورایی	نور
خاصیت بی‌انتهایی مواد باعث تفکر و خلق معنا و مفهوم، عناصری ساده در عین حال پیچیده	* دیبا: با ساده‌ترین عناصر و مواد با ترکیب آنها آثاری به وجود می‌آید که انسان را به تفکر وامی‌دارد * اردلان: چهار حالت تجلی در ماده: آب، باد، خاک، آتش * زومتور: مواد بی‌انتهای هستند.	ماده



### نتیجه گیری

در این پژوهش علاوه بر بررسی و استفاده از نظرات معماران به نام ایرانی، از نظرات پیتر زومتور در برخورداری از معماری معنا و مفهومی نیز استفاده شده است. و نقاط عطف و مشترکی بین اندیشه های ایشان و روح معماری ایرانی را از قبیل نور، اهمیت مصالح در ایجاد معنا، کالبد معماری بعنوان اصل مهم در معماری مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به نقطه نظرات می‌توان: ارزش واقعی به جوهر وهسته باطنی، با توجه به درونگرایی داد تا علاوه بر حفظ حریم محیطی بتوان به اصل خویش و خاطر آرامش اصیل به نقطه متعالی رسید. سیر تحول کثرتها را در وحدت ها که نقطه عروج و استثنایی است را در فضای درونی مرکزی یافت. با استفاده از انعکاس به پیوند معماری، نور و آسمان. از طریق هندسه که زبان معماری جهان است کلیت کالبدی آثار را آشکار کرد. برقراری تداوم مکانی را با شفافیت و تداوم و احساس عظمت و روح معنوی را در کمال سادگی و بازگشت به خود چیزها دست یافت.

امید است با پیوند مشترک بین نظرات به خلق فضاهای معمارانه وبا شناخت عمیق از مفاهیم و الگوهای ایرانی در عملکرد های مختلف بتوان به احیای ارزش های معماری بر اساس معیارهای ایرانی علاوه بر احیای مجدد معنا به بازگرداندن بعد شاعرانه و قوه خیال و ایجاد معنا ومفهوم به زندگی افراد دست یافت.

[۱] نوربرگ، کریستیان، برگردان: برازجانی، ویدا. معماری: معنا و مکان، انتشارات پرهام نقش، ۱۳۹۳.

[۲] الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران، داراب دیبا، مجله فرهنگ و معماری شماره ۱

[۳] (<http://www.bloomberg.com>)

[۴] اردلان، نادر. بختیار، لاله. حس وحدت. نقش سنت در معماری ایرانی، موسسه علمی پژوهشی علم معمار ۱۳۹۰

[۵] <http://roshanakroshanaee.persianblog.ir>

[۶] (هادی میرمیران، ۱۳۷۸، ۱۴۵)

[۷] مقاله: تلقی استاد از فضا و تأثیر آن بر آموزش معماری، منوچهر معظمی، نشریه هنرهای زیبا، ۹۰،

[۸] صارمی، ۱۳۷۵، ۳۱

[۹] بازشناسی مفهوم رنگ در معماری ادیان، سارا صاغر، المیرا معتمدی، بهمن ۹۴

[۱۰] ماده، معناو ذهن در معماری، کارستن هریس، مجله معمار، تابستان ۷۷

[۱۱] زومتور، پیتر. مترجمان: نیک فطرت مرتضی، میرگذار لنگرودی، صدیقه. رهیافت پدیدار شناسی در اندیشه زومتور، ۱۳۹۴

[۱۲] صفایی پور، هادی، ۸۶، بررسی کیفیت رابطه شکل، کنفرانس سازه و معماری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا

[۱۳] سیده فاطمه عظیم، انعکاس معانی منبعث از جهان بینی اسلامی در طراحی معماری، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، زمستان ۸۹